

مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال چهل و هشتم، شماره پیاپی ۹۶  
بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۴۰-۳۱

## نقد و بررسی اختلاف نظر ابن سینا و ملاصدرا در باره اتحاد و اختلاف مفهومی اسماء و صفات حق تعالی\*

دکتر سید مهدی امامی جمعه<sup>۱</sup>

دانشیار دانشگاه اصفهان

Email: m.amami@itr.ui.ac.ir

سیدمعین الدین خلیفه سلطانی

کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی

Email: mkhalifehsoltani2@gmail.com

### چکیده

حقیقت اسماء الحسنی و معنا شناسی اسماء و صفات حق تعالی، همواره در کلام و فلسفه اسلامی، از مباحث اصلی و کلیدی به شمار آمده و مباحث پیرامون آن همیشه معرکه آراء و چالش برانگیز بوده و هست. در این زمینه به اختلاف نظر ابن سینا به عنوان رئیس مکتب مشاء و ملاصدرا به عنوان بنیانگذار مکتب حکمت متعالیه، کم توجهی شده است. بر این اساس در ابتدای مقاله برخی از مبانی مبحث اسماء الحسنی به صورت فشرده مطرح شده تا زمینه طرح بحث اصلی یعنی اختلاف نظر ابن سینا و ملاصدرا درباره اتحاد و اختلاف مفهومی اسماء و صفات حق تعالی بدست آید، سپس به تحلیل نظر ابن سینا و ملاصدرا و اختلاف این دو فیلسوف پرداخته شده و با توجه به مبانی مبحث اسماء الحسنی، منشأ اختلاف بین آن دو نظریه بررسی و سپس بین آنها، داوری شده است.

**کلیدواژه‌ها:** اسماء الحسنی، اتحاد مصداقی صفات حق تعالی، اتحاد مفهومی صفات حق تعالی، اختلاف مفهومی صفات حق تعالی.

\*. تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۶/۱۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰۱/۳۱.  
۱. نویسنده مسئول

## مقدمه

علم به اسمای حق تبارک و تعالی از جمله ظریف‌ترین و در عین حال شریف‌ترین علوم به شمار می‌آید؛ زیرا به واسطه همین علم است که آدم علیه السلام ممتاز گشته و برتری او بر ملائکه و سایر موجودات به منصفه ظهور و بروز رسیده است. این معنا از برخی آیات قرآن کریم مستفاد می‌شود. خداوند سبحان در قرآن مجید فرموده است: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (البقره، ۳۱)

درباره مبحث اسماء الحسنی مقالات زیادی نگاشته شده است، اما به بررسی اختلاف نظر بین ابن سینا و ملاصدرا درباره اتحاد و اختلاف مفهومی اسماء و صفات حق تعالی کمتر پرداخته شده و حتی می‌توان گفت که به آن توجه نشده است. از همین رو در این مقاله سعی شده تا به تحلیل و مقایسه نظریه ابن سینا و ملاصدرا و اختلاف این دو درباره اتحاد و اختلاف مفهومی اسماء و صفات حق تعالی پرداخته شود و با توجه به مبانی بحث اسماء الحسنی، منشأ اختلاف بین آن دو نظریه کشف و سپس بین آن‌ها داوری شود.

## معنای اسم و صفت حق تعالی

تعینات کمالیه حق تبارک و تعالی در صورتی که تنها لحاظ شوند یعنی بدون لحاظ موصوف در نظر گرفته شوند، آن را صفت گویند مثل علم، قدرت و... و هرگاه از جهت ظهور ذات در آن‌ها و ارتباط آن‌ها با ذات ملاحظه گردند، آن را اسم می‌نامند مثل عالم، قادر و لذا تفاوت بین صفت و اسم، تفاوت بین صفت و مشتق است. شایان ذکر است که به هر چیزی که مبدأ مطلق اشتقاق بر آن صدق کند مشتق می‌گویند. از این رو تکثر در اسماء، به سبب تکثر صفات است. حاصل آنکه ذات مقدس حق تعالی به اعتبار تعینی خاص و یا صفتی مشخص و یا تجلی خاص از تجلیات ذاتی و یا افعالی خود بنام اسمی از اسماء معین و مشخص نامیده می‌شود.

## ۱- مراتب کتبی، لفظی، معنایی و حقیقی اسماء حسنی

اسماء الهی مراتبی دارند. ۱- مرتبه کتبی ۲- مرتبه لفظی ۳- مرتبه معنایی ۴- مرتبه حقیقی. مرتبه کتبی بر مرتبه لفظی، و مرتبه لفظی بر مرتبه معنایی و مرتبه معنایی بر وجود حقیقی دلالت می‌کند. با این توضیح مطالب ذیل روشن می‌شود:

## ۱-۱- اسماء لفظی، اسم اسم اسم اند

اسماء لفظی، اسم اسم اند زیرا به ترتیب بر لفظ (مرتبه لفظی)، معنا (مرتبه ذهنی) و مسمی (وجود حقیقی) که ذات احدیت است دلالت می‌کنند. فلذا مقصود از اسماء در آیات و احادیث اصوات و الفاظ نیستند، بلکه همه دلالت بر مرتبه حقیقی اسماء حسنا می‌کنند. از آن لحاظ که اسماء مکتوب و ملفوظ الهی دلالت بر معنا و مسمی می‌کنند و وجه شیء، ظهور آن است، به این اعتبار در شریعت اسلام وارد شده است که بدون طهارت (وضو) مس اسماء مکتوب الهی حرام است.

۱-۲- با عقل و تفکر می‌توان به مرتبه مفهومی اسماء و صفات معرفت پیدا کرد لکن با عقل و تفکر نمی‌توان به مرتبه حقیقی و کنه وجودی اسماء و صفات حق تعالی معرفت حاصل نمود

با عقل و تفکر می‌توان به مرتبه مفهومی اسماء و صفات معرفت پیدا کرد و آن را تعریف نمود و بر آن برهان آورد؛ زیرا اسماء و صفات مفاهیمی کلی هستند. لکن با عقل و تفکر نمی‌توان به مرتبه حقیقی و کنه وجودی اسماء و صفات حق تعالی معرفت حاصل نمود، زیرا کنه حقیقت ذات مقدس حق تعالی که حقیقت خالص و صرف وجود و خالق عقل و محیط بر عقل و ادراک بشری است، هرگز وارد ذهن نمی‌شود.

۱-۳- اسماء الحسنای حق تعالی به لحاظ مفهومی نسبت به یکدیگر احاطه و تفاضل و برتری دارند

برخی از اسماء الحسنای حق تعالی به لحاظ معنایی بر برخی دیگر از اسماء و صفات تفاضل و برتری و احاطه دارند. لذا حکما برای بیان مقامات اسماء الحسنای تقسیماتی به ترتیب محیط به محیط مثل هویت مطلقه، احدیت مطلقه، احدیت جمع الاسماء، واحدیت، ذاتیه و فعلیه ذکر نموده‌اند؛ اما نکته مهمی که باید به آن توجه نمود این است که (هویت مطلقه) باطن (احدیت مطلقه)، (احدیت مطلقه) باطن (احدیت جمع الاسماء)، (احدیت جمع الاسماء) باطن (واحدیت) است و مقام فعل در عین تأخر از مقام ذات در ذات مقدس حق تعالی مطویست.

### دیدگاه ابن سینا: اتحاد مصداقی و اتحاد مفهومی اسماء و صفات حق تعالی

از دیدگاه ابن سینا صفات حق تعالی با ذات احدیت و با یکدیگر اتحاد مصداقی دارند زیرا ذات مقدس حق تعالی حقیقت صرف و بسیط وجود است و لذا هیچگونه کثرت و ترکیبی اعم از وجود و عدم، عقلی، وهمی و مقداری در ذات او راه ندارد. از این رو زائد بودن صفات بر

ذات حق تعالی مستلزم راهیابی کثرت به ذات مقدس حق تعالی است در حالی که در ذات مقدس حق تعالی که بسیطه الحقیقه است کثرت راه ندارد. ابن سینا در این باره گامی فراتر از سایر حکما برداشته و علاوه بر اتحاد مصداقی صفات به اتحاد مفهومی صفات نیز قائل است. در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که ابن سینا از میان صفات الهی تنها به اتحاد مفهومی علم و اراده معتقد است، اما ابن سینا در مواضع دیگر به طور آشکار تصریح می‌کند که همه صفات الهی مثل حیات، علم، قدرت، اراده حق تعالی و.. از نظر مفهوم یکی هستند. حال باید دید چرا ابن سینا این موضع یعنی اتحاد مفهومی کلیه اسماء و صفات الهی را مطرح نموده است. از سخنان و تصریحات ابن سینا اینگونه استفاده می‌شود که ابن سینا بر اساس نفی راهیابی هرگونه کثرت و تجزا به ذات مقدس حق تعالی که در غایت بساطت است به اتحاد مفهومی صفات حق تعالی با یکدیگر معتقد شده است؛ یعنی صفات حق تعالی نسبت به ذات که لحاظ می‌شوند، تغایر مفهومی با یکدیگر ندارند. گویا ابن سینا می‌خواهد مفهوم و مصداق را به هم پیوند زند و کلیه مفاهیم صفات حق تعالی را به نوعی به هم ارجاع دهد که یک معنا از آن برداشت شود.

ابن سینا در باب اتحاد مفهومی علم و اراده حق تعالی در کتاب *الهیات شفاء* می‌گوید: «فواجب الوجود لیست ارادته مغایرة الذات لعلمه و لا مغایرة المفهوم لعلمه فقد بینا أن العلم الذی له بعینه هو الارادة التی له» (۳۶۷)، «اراده حق تعالی با علم او تغایر ذاتی و مفهومی ندارد و بیان کردیم که علم او همان اراده اوست». ابن سینا در باب اتحاد مفهومی علم و اراده خداوند در کتاب *مبدأ و معاد* می‌نویسد: «فاذا لیس ارادته مغایرة الذات لعلمه و لا مغایرة المفهوم لعلمه و قد بینا ان العلم الذی له هو بعینه الارادة التی له» (۲۱)، «علم و اراده تغایر مفهومی ندارند و بیان کردیم که علم او همان اراده اوست».

ابن سینا در کتاب *مبدأ و معاد* در باب اتحاد مفهومی همه صفات حق تعالی تحت عنوان «فی تحقیق وحدانیة واجب الوجود بان علمه لا ینخالف قدرته و ارادته و حکمته و حیاته فی المفهوم، بل ذلک کله واحد فلا یتجزى لها ذات الواحد المحض» (۱۹) به این عبارت می‌نویسد: «فبان أن المفهوم من الحیاة و العلم و القدرة و الجود و الارادة المقولات علی واجب الوجود مفهوم واحد و لیست لاصفات ذاته و لاجزاء ذاته» (۲۱)، «بنابراین معلوم شد که مفهوم حیات، علم، قدرت، جود و اراده که بر واجب تعالی اطلاق می‌شوند همه مفهوم واحدند و صفات و اجزای متعدد برای ذات واحد محض نیستند».

ابن سینا در کتاب *نجات* در باب اتحاد مفهومی همه صفات حق تعالی در فصلی تحت عنوان «فصل فی تحقیق وحدانیه الاول بان علمه لایخالف قدرته و ارادته و حیاته فی المفهوم بل ذلک کله واحد و لاتتجزأ لاحدی هذه الصفات ذات الواحد الحق» (۲۴۹) می‌گوید: «تمامی صفات قدرت، اراده، حیات مغایرت مفهومی ندارند بلکه همه مفهوم واحدی دارند و ذات یگانه حق تعالی، با این صفات تجزیه نمی‌شود».

ابن سینا در کتاب *التعلیقات* در باب اتحاد مفهومی همه صفات حق تعالی به این عبارت می‌نویسد: «لایصح فی الواجب الوجود ان یتکثر لا فی معناه ولا فی تشخصه و الشیء اذا تکثر فإما ان یتکثر فی معناه و کل معنی فانه فی ذاته واحد ولا یتکثر فی حقیقته و اما فی تشخصه فان تشخص واجب الوجود هو انه هو، فتشخصه وانه هو واحد و هو نفس ذاته و حقیقته» (۶۹) «در واجب (وجود حق تعالی) هیچ نوع کثرتی نه از حیث مفهوم و نه از حیث تشخص راه ندارد زیرا تکثر در شیء یا به دلیل تکثر در معنا و مفهومی شیء است و در ذات واجب (وجود حق تعالی) تمام معانی واحد است و یا تکثر از ناحیه تشخص است لیکن تکثر در تشخص راه ندارد زیرا تشخص واجب الوجود عین ذات و حقیقت اوست».

### دیدگاه ملاصدرا: اتحاد مصداقی و اختلاف مفهومی اسماء و صفات حق تعالی

از دیدگاه ملاصدرا، اسماء و صفات حق تعالی با ذات مقدس حق تعالی اتحاد و عینیت دارند. چکیده دلایل ملاصدرا، برای اثبات اتحاد و عینیت صفات با ذات و زائد نبودن صفات بر ذات این است که چنانچه صفات حق تعالی، زائد بر ذات باشند، مستلزم این است که ذات مشتمل بر کثرت‌ها می‌شود و دیگر اینکه ذات در مرتبه ذات فاقد کمالات باشد و افزون بر این دو محذور، اگر صفات زاید بر ذات باشند، یا غیر این صفات را به حق تعالی داده است که امری محال است و با وجوب وجود نمی‌سازد و یا خود ذات به ذات افزایده است که در این صورت، اجتماع قابل و فاعل در ذات بسیط لازم می‌آید (ملاصدرا، *الحکمة المتعالیة*، فصل اول از گفتار دوم)؛ بنابراین وجود حق تعالی به نفس ذات و حقیقت وجودیه خویش واجد جمیع صفات کمالیه است بدون آنکه کثرت و انفعال و قبول و فعلی در ذات او لازم آید لذا مثلاً عالم است به جهتی که قادر است و بالعکس. و تمایز اسماء و صفات در او به گونه‌ای نیست که هر کدام از اسماء و صفات دارای تشخص وجودی جدا از ذات باشند بلکه ذات حق تعالی و صفاتش به شخصیت واحده موجودند؛ اما از طرف دیگر اسماء و صفات حق تعالی با

یکدیگر اختلاف مفهومی دارند زیرا از هر صفتی مفهومی خاص و متمایز از دیگر صفات در ذهن شکل می‌گیرد. بنابراین از دیدگاه ملاصدرا همه صفات کمالی حق تعالی به یک وجود که همان وجود ذات احدیت است موجودند و ذات او تمایز وجودی از صفات ندارد و همچنین هر یک از صفات تمایز وجودی از یکدیگر ندارند، بلکه تمامی صفات در عین اینکه از نظر مفهوم مختلف‌اند، وحدت مصداقی و وجودی دارند (ملاصدرا، الحکمة المتعالیة، ۱/ ۱۴۵).

### نتیجه‌گیری: نقد و بررسی اختلاف نظر ابن سینا و ملاصدرا

در نقد و بررسی اختلاف نظر ابن سینا و ملاصدرا درباره اتحاد و اختلاف مفهومی اسماء و صفات حق تعالی می‌توان گفت از آنچه تاکنون بیان شد این نتیجه حاصل می‌شود که ملاصدرا و ابن سینا هر دو معتقد به اتحاد مصداقی صفات حق تعالی با ذات او و با یکدیگر هستند؛ اما از دیدگاه ابن سینا صفات حق تعالی علاوه بر اتحاد مصداقی، اتحاد مفهومی نیز با یکدیگر دارند. لذا محل اختلاف فقط در مورد اتحاد و اختلاف مفهومی اسماء و صفات است. البته لازم به ذکر است که ارجاع مفهومی اسماء و صفات به یکدیگر به لحاظ احاطه و شمول بر یکدیگر امری واضح است مثل اینکه اسم جامع الله دربردارنده همه اسماء و صفات کمالیه است و یا اسم قیوم که در بردارنده کلیه اسماء فعلیه است و ابن سینا و ملاصدرا هر دو در این مسئله اتفاق نظر دارند؛ و محل اختلاف این است که ابن سینا قائل به اتحاد مفهومی صفات حق تعالی و ملاصدرا قائل به اختلاف مفهومی صفات حق تعالی است.

ملاصدرا به نظر ابن سینا مبنی بر اتحاد مفهومی اسماء و صفات این اشکال را می‌گیرد که اگر مفاهیم علم، قدرت، اراده، حیات و غیر این‌ها از مفاهیم دیگر، با هم مترادف باشند، مثلاً آنچه از علم فهمیده می‌شود، عین همان چیزی باشد که از قدرت مفهوم می‌شود، باید اطلاق یکی از صفات بر خداوند ما را از اطلاق سایر صفات بر او بی‌نیاز کند یعنی چنانچه صفات در مورد حق تعالی تغایر مفهومی نداشته باشند باید اطلاق یک صفت بر خداوند بار معنایی تمام صفات را داشته باشد و در نتیجه اطلاق سایر صفات بر او فایده‌ای نداشته باشد و این امری است که بطلان آن روشن است (ملاصدرا، الحکمة المتعالیة، ۱/ ۱۴۵).

در پاسخ به این ایراد ملاصدرا به ابن سینا باید گفت: بدون تردید، کسی نمی‌تواند ادعا کند که ابن سینا که از بزرگ‌ترین فلاسفه است به بدیهی‌ترین امر یعنی تغایر مفهومی الفاظ غیر مشترک با یکدیگر توجه نداشته است بلکه ابن سینا به اینکه حق تعالی واجد اسماء و صفات

کمالیه متعدد است و اینکه مفاهیم متعدد کمالیه بر ذات مقدس حق تعالی صدق می‌کنند تصریح می‌کند لیکن ابن سینا قائل است که مفاهیم کمالیه چنانچه به طور مطلق و رها و با قطع نظر از مصداقی که بر او حمل می‌شوند، لحاظ شوند، هریک معنایی بیگانه و مغایر از یکدیگر دارند، ولیکن چنانچه مفاهیم بر ذات مقدس حق تعالی اطلاق شوند از آن لحاظ که در ساحت حق تعالی کثرت و تجزا و تغایری نیست مفهوم همه آنها یکی است.

در پاسخ به ادعای ابن سینا مبنی بر عدم تغایر مفهومی صفات حق تعالی بر اساس نفی هر گونه کثرتی از ذات مقدس حق تعالی باید گفت انتزاع مفاهیم کمالیه متعدد از ذات مقدس حق تعالی مستلزم راهیابی کثرت به ذات او نیست و ارجاع کلیه اسماء و صفات به لحاظ مصداقی به ذات متعالیه حق تعالی با اثبات اوصاف مفهومی مختلفه متکثره برای ذات مقدس او، منافات ندارد بلکه مؤید آن است، زیرا در فلسفه ملاصدرا براساس نظریه وحدت تشکیکی حقیقت وجود به اثبات رسیده که حقیقت وجود هرچه از افق تعینات و کثرت دورتر و در وحدت و بساطت، اقوی و اتمّ باشد، صدق مفاهیم کمال و احاطه او بر اسماء و صفات کمالیه بیشتر است و به عکس هرچه به کثرت نزدیک شود، صدق مفاهیم کمال و اسماء و صفات بر او کمتر و نقص در او بیشتر و کیفیت صدق مفاهیم کمال بر او، ضعیف می‌شود (ملاصدرا، الحکمه المتعالیه، ۶/ ۱۴۸).

در اثبات نظر ملاصدرا مبنی بر اتحاد مصداقی و اختلاف مفهومی صفات حق تعالی باید گفت که همان‌گونه که در ابتدای مقاله بیان شد، اسماء و صفات الهی مراتبی دارند. ۱- مرتبه کتبی ۲- مرتبه لفظی ۳- مرتبه معنایی ۴- مرتبه حقیقی. مرتبه کتبی بر مرتبه لفظی، مرتبه لفظی بر مرتبه معنایی و مرتبه معنایی بر وجود حقیقی دلالت می‌کند. با این توضیح روشن می‌شود که اسماء لفظی، اسم اسم اسم‌اند زیرا به ترتیب بر لفظ (مرتبه لفظی)، معنا (مرتبه ذهنی) و مسمی (وجود حقیقی) که ذات احدیت است دلالت می‌کنند. بنابراین حق تعالی دراصل متصف به مرتبه حقیقی صفات است. همچنین ذات احدیت که حقیقت خالص و صرف وجود و نامتناهی و محیط بر عقل و ادراک بشری است، هرگز وارد ذهن نمی‌شود. بنابراین صفات کمالیه حق تعالی نیز نامحدود است و لذا کنه وجودی صفات حق تعالی به وسیله عقل و تفکر، درک نمی‌شود. اما با عقل و تفکر می‌توان به مرتبه مفهومی اسماء و صفات معرفت پیدا کرد لکن از آن جهت که ظرف مفاهیم کمالیه حق تعالی، ذهن است و ذهن امری محدود است، لذا در وعاء ذهن هریک از این مفاهیم هرچند به صورت نامحدود و منزله از نواقص و

معایب وجودات امکانی و حکایت کننده از ذات احدیت در نظر گرفته می‌شوند هر یک به لحاظ مفهومی غیر از ذات مقدس حق تعالی و مغایر با دیگری می‌باشند. بنابراین به نظر نگارنده نظریه صحیح، نظریه ملاصدرا مبنی بر اتحاد مصداقی و اختلاف مفهومی اسماء و صفات حق تعالی است. طبق این نظریه همه صفات کمالی حق تعالی به یک وجود که همان وجود ذات احدیت است موجودند و ذات او تمایز وجودی از صفات ندارد، و همچنین هر یک از صفات تمایز وجودی از یکدیگر ندارند و تمامی صفات در عین اینکه از نظر مفهوم مختلف‌اند، وحدت مصداقی و وجودی دارند. بنابراین از این رو که اسماء و صفات حق تعالی با ذات حق تعالی اتحاد و عینیت دارند بایکدیگر نیز اتحاد مصداقی دارند. یعنی همه‌ی اسماء و صفات کمالیه به لحاظ وجودی، متحد و منطوقی در ذات مقدس حق تعالی هستند و چون متحد با ذات مقدس حق تعالی هستند به لحاظ وجودی با یکدیگر نیز متحدند. از این رو هر اسمی از اسماء الهی، واجد کمالات همه‌ی اسماء است. یعنی در باطن هر اسمی از اسماء الهی، کمالات همه اسماء مختفی و مستور است و اختلاف اسماء به حسب ظهور و بطون است. همچنین اثبات هر یک از مفاهیم کمالیه مثل حیات، علم، قدرت، سمع، بصر و اراده و... برای حق تعالی که مبدأ اصل وجود و حقیقت مطلقه وجود و سرچشمه کمال هستی است لازم است و هر یک از مفاهیم کمالیه به معنای حقیقیه خود بر ذات مقدس حق تعالی صدق می‌کند بدون آنکه کثرت در ذات مقدس حق تعالی به وجهی از وجوه لازم آید.

لازم به ذکر است ائمه اطهار در برخی از احادیث، نفی صفات از ذات مقدس حق تعالی را کمال اخلاص کمال توحید و کمال معرفت بر شمرده‌اند. حضرت علی (ع) فرمود: «اول الدین معرفته و کمال المعرفة التصدیق به، و کمال التصدیق به توحیده و کمال توحیده الاخلاص له، و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه، لشهادة کل صفة أنها غیر الموصوف، و شهادة کل موصوف أنه غیر الصفة» (نهج البلاغه، خطبه ۱) «سرآغاز دین خداشناسی است و کمال کمال شناخت خدا باور داشتن او و کمال باور داشتن خدا شهادت به یگانگی اوست و کمال توحید شهادت بر یگانگی خدا اخلاص و کمال اخلاص نفی صفات از ذات اوست، زیرا هر صفتی نشان می‌دهد که غیر از موصوف و هر موصوفی گواهی می‌دهد که غیر از صفت است). حضرت امام رضا (ع) فرمود «اول الدیانة به معرفته و کمال معرفته توحیده و کمال توحیده نفی الصفات عنه، بشهادة کل صفة أنها غیر الموصوف و شهادة الموصوف أنه غیر الصفة و شهادتهما جميعاً بالتثنية الممتنع منه الأزل (الممتنع من الأزل)» (کلینی، ۱/۱۴۰)، «ستایش خدایی را که



ستایشش را به بندگان الهام کرد. سرلوحه اعتقاد به خدا، شناخت اوست و کمال شناختن او، یگانه دانستن اوست و کمال یگانه دانستن او، نفی صفات از ذات اوست، زیرا هر صفتی گواه بر این است که غیر از موصوف است و هر موصوفی گواه بر این است که از صفت خود جداست و هر دو با هم (صفت و موصوف) گواه بر این هستند که دو تائید که چنین چیزی در وجود ازلی امکان ندارد؛ و در جای دیگر فرمود: «أول عباده الله معرفته و أصل معرفه الله توحیده و نظام توحید الله نفی الصفات عنه، لشهادة العقول أن كل صفة و موصوف مخلوق شهادة كل مخلوق أن له خالقاً ليس بصفة و لا موصوف و شهادة كل صفة و موصوف بالاقتران و شهادة الاقتران بالحدث و شهادة الحدث بالامتناع من الأزل الممتنع من الحدث» نخستین گام پرستش خدا، شناخت اوست و پایه شناخت خدا یگانگی اوست و سامان یگانگی خداوند به نفی صفت‌ها از اوست زیرا خردها گواه‌اند که هر صفت و موصوفی آفریده است و هر مخلوقی گواه بر آن است که او را آفریننده است که صفت و موصوف نیست، و هر صفت و موصوفی بر نزدیکی به هم گواه هستند و نزدیک به هم بودن گواه پیدایش است و پیدایش، گواه بر امتناع از ازلیتی است که از پیدایش امتناع دارد» (ابن بابویه قمی، ۳۵-۳۴). در تفسیر این مطلب عرفانی باید گفت: مقصود برخی از احادیث که نفی صفات از ذات مقدس حق تعالی را کمال اخلاص کمال توحید و کمال معرفت برشمرده‌اند، در حقیقت اشاره به انطواء وجودی و مصداقی کلیه اسماء و صفات در مقام ذات (هویت غیبیه) حق تعالی است که مقام محو کثرات و موطن اضمحلال اسماء حسنی و صفات علیا می‌باشد؛ و گرنه صدق هریک از مفاهیم کمالیه بر ذات مقدس حق تعالی امری مستدل است که در جای جای قرآن کریم و احادیث بر آن تاکید شده است؛ زیرا همانگونه که در این مقاله بیان شد در فلسفه اسلامی به اثبات رسیده که حقیقت وجود هرچه از افق تعینات و کثرت دورتر و در وحدت و بساطت، أقوى و اتمّ باشد، صدق مفاهیم کمال و احاطه او بر اسماء و صفات کمالیه بیشتر است و به عکس هرچه به کثرت نزدیک شود، صدق مفاهیم کمال و اسماء و صفات بر او کمتر و نقص در او بیشتر و کیفیت صدق مفاهیم کمال بر او، ضعیف می‌شود.

## منابع

قران کریم

نهج البلاغه

ابن بابویه، محمد بن علی، توحید، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.

- ابن سینا، حسین بن عبدالله، *التعلیقات*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ١٣٧٩.
- \_\_\_\_\_، *الشفاء الالهیات*، تحقیق الاستاذین الأب قنواتی و سعید زید، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ١٣٦٣.
- \_\_\_\_\_، *المبدأ و المعاد*، به اهتمام عبدالله نوری، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل با همکاری دانشگاه تهران، ١٣٦٣.
- \_\_\_\_\_، *النجاة فی الحکمة المنطقية والطبیعية والالهية*، ناشر مرتضوی، چاپ دوم، ١٣٦٤.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، قم: انتشارات مکتبه المصطفویة، ١٣٧٦-١٣٧٨ ق.
- \_\_\_\_\_، *المبدء و المعاد فی الحکمة المتعالیة*، تصحیح و تحقیق و مقدمه محمد ذبیحی، جعفر شانظری، بنیاد حکمت اسلامی ملاصدرا، ١٣٨١.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ١٣٦٥.